**اعوذ بالله من الشیطن الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

# جادوی شیاطین (قسمت سی و پنجم)

# عشق (بخش پنجم(صفات تقلبی))

**خدا وقتی انسان را آفرید، آنان را این گونه قرار داد ، تا زنان نوزادهایشان، هر چند زشت، را دوست داشته باشند و اگر اینگونه نبود، زحمات حمل و نگهداری یک نوزاد را متقبل نمی شدند. در این زمینه، یک زن انتخابی ندارد که بچه اش را دوست داشته باشد یا نداشته باشد؛ یعنی یک زن نمیتواند این صفت را از خود بیرون کند. اما شیطان روشهایی برای خنثی کردن این نوع صفات خدادادی در زنان پیدا کرده است. شیطان تلاش دارد تاکه ارزشها و صفات خودش را جایگزین ارزشها وصفات خدادادی کند . مثلاً شیطان ارزشهایی با عنوان حسادت زنانه را عادی جلوه میدهد. طوریکه خیلی از زنان متاسفانه این نوع حسادت را بین خود به عنوان یک ارزش خدادادی قبول کرده‌اند. بنابراین زنان بخاطر کور کردن چشمان حسود سایر زنان**

**وارد رقابت مُد می‌شوند؛ و به این طریق همدیگر را به سخره می گیرند . وقتی از زنان درباره آرایشهای غیر طبیعی سوال می‌شود، آنان اقرار می‌کند که بیشتر آرایش های غیر طبیعی و هزینه بردار، بخاطر چشم و هم چشمی با زنان دیگر است و به خاطر تحریک حسادت سایر زنان است و به خاطر مردان نیست. خدای مهربان در آیه قرآن، این نوع رقابت ناسالم بین زنان را نمی پسندد و آن را رد میکند.**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند ] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند (۱۱)

**شیطان می خواهد برای مردان صفات جایگزین درست کند و همچنین برای زنان. مثلاً غیرت قبیله ای را جزو صفات مردانه به حساب می آورد؛ حسادت را جزو صفات زنانه. چشم و هم چشمی را جزو صفات زنانه به حساب می آورد، در حالیکه اینها از آن صفاتی هستند که خدا نمی پسندد، بلکه صفات شیطانی هستند که شیطان با زیرکی تمام، آن را جایگزین صفات خدادادی و فطری میکند. به این طریق شیطان**

**مردم را وارد یک بازی می کند تا وظیفه اصلی را از آنها بگیرد؛ مثلاً زن برای اینکه ثابت کند که زن است حسادت می کند و مرد برای اینکه ثابت کند که مرد است داد می کشد و دستور میدهد. در سیستم های شیطانی زنان و مردان با این نوع صفات و رفتارها ، خود را ثابت میکنند و نمایش میدهند. در حالیکه در سیستم رحمانی اینطوری نیست. ارتباطاتی که بین زن و مرد است، در سیستم شیطانی براساس افراط و تفریط ساخته میشوند و هیچوقت حالت تعادل ندارند.**

**متاسفانه زندگیهای امروزی براساس کسب لذت تشکیل میشود. مثلا در یک خانواده ای، زن ، مرد را برای ایجاد لذت میخواهد. یکی تعریف میکرد که زندگی مشترک با زنش طوری شده است که او مثل یک نوکر برای زنش عمل میکند. برای مهمانی هایی که زنش ترتیب میداد، مرد فقط وظیفه اش خرید و هزینه کردن بود؛ تا زنش از این مهمانی و تفاخر در آن لذت ببرد. این مورد برای مردان هم صدق میکند. بعضی مردها زن را برای این میخواهند که در مهمانی ها غذا بپزد و از مهمانان و رفقای مرد پذیرایی کند، تا مرد از این جمع لذت ببرد. لذت بردن به قیمت به برده گرفتن زوج. خدای مهربان لذتهایی در زندگی گذاشته است ولی بر طبق قرآن، هدف از زندگی، لذت نیست. ما موقع خوردن آب چشمه در طبیعت لذت می بریم ولی هدف اصلی از خوردن آب، لذت نیست؛ بلکه تامین آب بدن است. حتی دفع ادرار و مدفوع از بدن همراه با لذت است ولی هدف از آن خارج شدن مواد سمی و زاید از بدن است. لذت فقط جنبه حاشیه ای آن است و اصل**

نیست. شیطان این مورد را برای بشر منحرف کرده است و اینطوری در ذهن مردم انداخته است که هدف اصلی زندگی، لذت بردن است. شیطان در مسائل جنسی هم، لذت آن را برجسته کرده و بقیه موارد را کم رنگ میکند. وقتی هدف اصلی زندگی لذت باشد؛ هر چیزی که این لذت را برای بشر تولید کند، مجاز است. بنابراین برای یک مرد، لذت مصرف مخدر و مشروبات الکلی ، به هدف اصلی در زندگی تبدیل میشود و زوجیت را در خانواده از بین می برد. و یا یک زن ، لذت حضور در مهمانی ها را بر زوجیت و زندگی مشترک ترجیح میدهد.

لذتهای متفاوت، حسهای تقریبا یکسانی را در همه موارد به افراد میدهند. اما شیطان بعضی ها را برجسته میکند و بعضی ها را نه. افراد لذت گرا، ممکن است که همان لذتهای جنسی را در هم جنس گرائی و خود جنس گرائی بیابند. به هر حالت هدف اصلی آنان، لذت است. تمام همجنس گرایان بخاطر لذت به این سمت کشانده میشوند. زنا یک موضوع کاملا مبتنی بر لذت است که لذت عمل جنسی در آن به شدت برجسته شده است.

اکثر مردم بر اساس غرایز منحرف جنسی و منحرف عاطفی، چه مرد و چه زن، آنقدرها دوست داشتنی نیستند که ما تصور میکنیم. متاسفانه در سیستم شیطانی، مردان طوری برنامه ریزی شده اند که باور کنند لذت رابطه جنسی و عشق کلید خوشبختی در زندگی است، درحالیکه اینطوری نیست و خوشبختی و بدبختی انسان نتیجه وجود و یا حذف خدا از زندگی هاست. بازهم در اینجا متاسفانه زنان

**از نظر اکثریت مردان به یک شیء جنسی تبدیل شده اند و به چشم یک شیء جنسی نگاه کرده میشوند. وقتی زنان به چشم یک شیء جنسی نگاه کرده شوند، در آنصورت رابطه با او مثل خودجنس گرائی و یا همجنس گرائی است. دانشمندان علم روان ثابت کرده اند که ماهیت زنا و هم جنس گرائی یکی است.**

**بعضی از مذهبیون اسلامی تفکرات منحرفی در مورد مسائل جنسی دارند و اعتقاد دارند که رابطه جنسی بالاترین تجربه ای است که زندگی ارائه داده است! حتی آنها براین اساس تمام اهداف یک جوان را در این خلاصه میکنند. آنها واقعیتهایی را به یک جوان میگویند که هیچوقت به نتیجه نخواهد رسید. سنت گرایان بنابر عقیده غلط که اصلا با آیات قرآنی سازگار نیست، فکر میکنند بین زن و مرد باید عشق باشد. تبلیغ عشق که در مذاهب اسلامی تبلیغ میشود، آخر و عاقبت خوبی ندارد. زیرا عشق در واقع روی دیگر همجنس گرائی است. زیرا همجنس گرایان روی جذابیت جنسی خویش تمرکز میکنند و روی آن مانور میدهند. بدون جذابیت جنسی، رابطه همجنس گرائی بی معناست. عشق در زندگی هم براساس جذابیت جنسی تعریف شده است. شعرای اسلامی وقتی در مورد زنان صحبت میکنند، همگی از یک سری خصوصیات جنسی و قیافه زنان صحبت میکنند و اسم آن را عشق می نامند. در یکی از آهنگهای فارسی میگفت :**

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

**پرستش صفات جنسی زنانه ، در اشعار ترویج میشود و در اکثر آهنگها و اشعار به آن پرداخته میشود . در حالی که واقعا رابطه جنسی بخش بسیار کوچکی از زندگی را تشکیل میدهد. پرستش صفات جنسی زنان به معنای احترام به زنان نیست؛ بلکه به معنای پرستش آن صفات است و لاغیر. زنان این موارد را درک میکنند و در نتیجه بخاطر این خواسته مردان، که برای آنها غیر فطری است؛ دنبال قدرت و پول میروند و مردان هم از قدرت و پول برای داشتن این صفات جنسی بهره می برند. زنان بجای ارائه صفات واقعی زنانه و مادرانه ؛ دنبال این نوع صفات جنسی هستند و وقت خود را تلف میکنند. این نوع روابط در اشعار بسیار بزرگ شده است . مثلا در قدیما به زنان که خیلی زیبا بودند، میگفتند قبله من و یا بت من.**

به خداوندِ تو سوگند ، خداوندِ منی
تانفس،گرم وتپِش هست،تو دلبندِمنی
هرکجا جای قَسَم بود، به نامت خوردم!
که تو،خودپاکترین قبله و سوگندِ...

**به این طریق عشق و توهمات مربوطه منجر به یک نوع بت پرستی میشود. آدم و حوا تا زمانی که به زمین منتقل نشدند، متوجه لخت شدن خود نشدند، زیرا در بهشت نیازها طور دیگری برآورده میشد. اما از آن موقع که به زمین منتقل شدند، مشکلات زیادی در این مورد پیدا کردند. شیطان لذتها را جای نیازها گذاشت و در هر چیزی لذتها را برجسته میکند و نسل بشر را به گمراهی می کشاند.**

**بعضی جاها شاید دیده باشید که مردم مسابقه پرخوری می گذارند و هر کسی بیشتر بخورد، برنده میشود و حتی گاهی فرد مریض شده و یا هر چه خورده است بالا می آورد. البته این فقط یک مسابقه است و بیشتر جنبه شوخی دارد و نمی توان زندگی را روی این ایده ها بنا نهاد. مسائل جنسی هم نیاز مشخصی است و نباید در آن افراط کرد و آن را به یک بت تبدیل کرد و در آن اسراف کرد. بیشتر بیماریهای بشر از این موضوع بر می خیزد که مردم نیازها را به لذتها تبدیل میکنند. معمولا غذاهای شور و یا شیرین و یا چرب ، خوشمزه ترند و لذت بیشتری دارند؛ اما بعد از مدتی ، افراد دچار بیماریهای جسمی میشوند.**

**یکی بود که در مهمانی هایی که در غذایشان از گوشت قرمز استفاده نکرده بودند، نمی رفت و هیچوقت غذایی غیر از گوشت قرمز نمی خورد. او خودش را به یک لذت خاص ، عادت داده بود و در این حالت او نیاز بدنی اش را در نظر نمی گرفت و صرفا لذت گرا بود. خدا در آیه قرآن اشاره میفرماید که لذت گرایان به خدا**

**ایمان ندارند و به نوع غذاهایی که فقرا مصرف میکنند، هیچ تمایلی ندارند. زیرا غذاهای فقرا ساده تر و لذت کمتری دارند.**

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿۳۴﴾

و به خوردن طعام مسکین تمایلی ندارد (۳۴)

**مردم متاسفانه در زندگی مشترک لذت پرستند و از زن و یا مردشان صرفا لذت میخواهند و زندگی آنان بر محور لذت می باشد و این روش اشتباه است. در حالیکه زندگی زوجین براساس قرآن ، لذت محور نیست و بلکه سکون یافتن و آرامش یافتن است** (لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا)**.**

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۱﴾

و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعا نشانه هایی است (۲۱)

**ناگفته نماند که خدای مهربان در عمل جنسی و خوردن و آشامیدن هم لذتهایی قرار داده است ولی خدا نگفته است که ای مردم شما این کارها را برای لذت انجام دهید.**

**فروید روانشناس مشهور می گوید که انسان هر چه بیشتر لذت ببرد، زندگی آینده او بهتر خواهد بود. اما این تفکر فروید کاملا اشتباه است. فروید عدم لذت در دوران کودکی را نوعی کمبود به حساب می آورد و او میگوید که عدم لذت در دوران کودکی، باعث ایجاد مشکلاتی در بزرگسالی خواهد شد. در حالیکه برجسته کردن لذتها در امور زندگی، نوعی اعتیاد است. این نظریه فروید فقط برای کسانی صادق است که لذت گرا باشند.**

**همگـــی مــردم میداننــد کــه نوشــیدن نوشــابه مضــر اســت ولــی بــااین حــال مینوشــند، زیــرا گلــوکز موجــود در آن، باعــث آزاد شــدن فــوری انــرژی در بــدن شــده و لــذتی را بــه فــرد میدهــد. بنــابراین لــذت گرایــی باعــث میشــود کــه آدمــی ، خوراکیهــای مضــر هــم بخــورد و خــود را دچــار چــاقی و بیماریهــای دیگــر کنــد. ایــن مــورد بــرای اعمــال جنســی هــم صــدق میکنــد. آنجــا کــه خــدا میفرمایــد بخوریــد و بیاشــامید و اســراف نکنیــد، منظــورش لــذتگرایی اســت. زیــرا لــذتگرایی باعــث اســراف خواهــد شــد. مــردم دوســت دارنــد مــدام لــذتها برایشان تکرار شود و در نتیجه در آن زیاده روی و اسراف میکنند.**

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾

ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگیرید و بخورید و بیاشامید و[لی] زیاده روی مکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد (٣١)